

موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

حامد روحانی

(کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی،
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

بخش‌هایی از دیگر موافقتنامه‌ها، در واقع به دنبال تضمین اصل «رقابت منصفانه» هستند و سعی در مدیریت رفتارهایی دارند که به شکلی «رقابت منصفانه» را مختل می‌کنند. بدیهی است یارانه‌ها رفتار اقتصادی افراد و بنگاه‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بالقوه توانایی تغییر شرایط رقابت در عرصه تجارت بین‌الملل را دارند. برای روشن شدن بیشتر موضوع ذیل به بررسی اقتصادی یکی از بحث‌انگیزترین انواع یارانه یعنی یارانه‌های صادراتی می‌پردازیم.

کشورهای مذاکره‌کننده در دوران و گوتته توجه اصلی خود را در خصوص یارانه‌ها، به یارانه‌های صادراتی و یارانه‌های تولیدی متمرکز نمودند که بز صنایع کشورهای واردکننده، اثر لطمه‌ای مشابه با یارانه‌های صادراتی دارند. همانطور که در ادامه این مقاله ملاحظه خواهد شد، مذاکره‌کنندگان، یارانه‌های صادراتی را ممنوع و یارانه‌های دیگر را به شرط آنکه به صنایع کشورهای واردکننده آسیب وارد کند قابل پیگیری و موضوع طرح دعوی شناخته‌اند.

در اینجا تلاش می‌شود ساز و کار عملکرد یارانه‌های صادراتی و تاثیر آن بر مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، دولت‌های مربوطه و رفاه ملی در هر کدام از کشورهای پرداخت‌کننده یارانه و واردکننده کالای یارانه‌ای بررسی گردد. فرض می‌کنیم دو کشور عمده در تعادل جزئی^(۲) برای محصولی خاص قرار دارند. در چنین شرایطی کشور صادرکننده اقدام به «پرداخت یارانه صادراتی خاص»^(۳) می‌نماید. این یارانه بهای کالا را در بازار کشور واردکننده نسبت به شرایط پیش از برقراری یارانه کاهش می‌دهد. دو معادله زیر وضعیت تعادل را در بازار واردکننده پس از یارانه نشان می‌دهد.

$$P_s^{ex} = P_s^{im} + S$$

$$XS(P_s^{ex}) = MD(P_s^{im})$$

S = یارانه صادراتی خاص

P_s^{im} = قیمت کالا در بازار واردکننده پس از برقراری یارانه

P_s^{ex} = قیمت کالا در بازار صادرکننده پس از برقراری یارانه

XS = مقدار عرضه کالای صادراتی

MD = مقدار تقاضای کالای وارداتی

رابطه اول بیان می‌کند که بهای کالا در دو کشور به اندازه مقدار یارانه

تعریف یارانه و تعیین مصادیق آن از جمله مباحث مناقشه برانگیز در حوزه‌های نظری و عملی اقتصاد است. این مقاله با پرداختن به یکی از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی با عنوان «موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی» و بررسی مواد مختلف آن دیدگاه سازمان مذکور نسبت به این موضوع را به بحث گذاشته است.

مقدمه

مذاکرات دوران و گوتته نقطه عطفی در روند مذاکرات یارانه‌ای بین‌الملل به شمار می‌رود. هرگز پیش از آن از یارانه تعریف مشخصی نشده و این امر مشکلات بسیاری را به بار آورده بود. مادر اسناد مذاکرات دوران و گوتته در خصوص یارانه به دو دیدگاه متفاوت برمی‌خوریم؛ یکی اینکه یارانه را از دید عملکرد آن در اختلال بازار تعریف کنیم و دیگری آنکه آن را از دید لطمات اقتصادی وارد شده به شرکای تجاری واردکننده محصولات یارانه‌دار ببینیم.

توافقنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی برآیندین دو دیدگاه به شمار می‌رود و مذاکره‌کنندگان با مهارتی قابل تحسین توانسته‌اند بین آن‌ها سازش ایجاد نمایند به طوری که دیدگاه اول تعریف یارانه خود را نشان می‌دهد در حالی که مکتب دوم در روش‌های جبران و اقدامات جبرانی متبلور شده است.

این مقاله به دو موضوع از موضوعات اصلی مطروحه در موافقتنامه یعنی «تعریف یارانه» و «تقسیم‌بندی یارانه‌ها» می‌پردازد و در پایان یکی از مواد قانونی کشور با موافقتنامه مقایسه خواهد شد.

چرا موافقتنامه‌ای خاص یارانه‌ها وجود دارد؟

هدف اصلی گات - که قوانین چند جانبه برای تجارت کالایی را بنا می‌نهد - ایجاد ساز و کاری برای تجارت آزاد و باز است که در سایه آن بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای عضو امکان فعالیت بازرگانی با یکدیگر را تحت شرایط «رقابت منصفانه»^(۱) داشته باشند.

شماری از موافقتنامه‌ها، از جمله یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (SCM) و

متفاوت است. معنای رابطه دوم این است که عرضه کالای صادراتی با قیمت‌های موجود در بازار کشور صادر کننده باید برابر تقاضای واردات با قیمت‌های جدید کشور وارد کننده باشد.

آثار چنین یارانه‌ای در نمودارهای شماره (۱) و (۲) نشان داده شده است. بهای اولیه کالا در شرایط تجارت آزاد با P_{FT} مشخص شده است. در شرایط تجارت آزاد کشور صادر کننده به مقدار $(S_0^{ex} - D_0^{ex})$ صادر و کشور وارد کننده به مقدار $(D_0^{im} - S_0^{im})$ وارد می‌کند. از آنجا که در این الگو تنها دو کشور وجود دارند مقدار صادرات دقیقاً برابر مقدار واردات می‌شود که با خط ضخیم‌تر نشان داده شده است. با برقراری یارانه قیمت کالا در بازار صادر کننده تا سطح P_S^{ex} افزایش می‌یابد در حالی که در بازار کشور وارد کننده تا S_S^{im} سقوط می‌کند. مقدار بیشتر صادرات یارانه‌ای که با $(S_1^{ex} - D_1^{ex})$ نشان داده شده برابر با $(D_1^{im} - S_1^{im})$ است و با خط ضخیم کم‌رنگ مشخص شده‌اند.

۱. مقررات این سازمان نه از کشورها و نه از نفع مصرف‌کنندگان دفاع می‌کند، بلکه آنچه مد نظر است ایراد وارد بر لطمه به صنایع کشور وارد کننده است. (۵) به عبارت دیگر سازمان تجارت جهانی سازمانی برای حفظ منافع تولیدکنندگان است.

۲. کاهش تولید در کشور واردکننده منجر به کاهش استفاده از عوامل تولید از جمله نیروی کار می‌شود. بنابراین سطح اشتغال پایین آمده و این مطلوب کشورها نیست. (۶)

۳. مشکل کسری حساب جاری (۷) کشورهایی که اقدام به واردات بیشتر به دلیل ارزانی نسبی کالای منتفع از یارانه می‌کنند، افزایش می‌یابد زیرا واردات بر صادرات پیشی گرفته، خروج ارز را میسر می‌کند.

۴. مشکل کاهش پس‌انداز و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در کشور واردکننده بروز می‌کند زیرا:

$$C + I + G + (X - M) = \text{هزینه‌های ملی}$$

$$C + S + T = \text{درآمد ملی}$$

$$(X - M) = (S - I) + (T - G) = \text{درآمد ملی}$$

که نشان می‌دهد حساب جاری $(X - M)$ منعکس کننده خالص پس‌انداز خصوصی و خالص پس‌انداز دولت است. کسری حساب جاری را می‌توان به فزونی مصرف نسبت به تولید بیان نمود؛ این به آن معناست که پس‌انداز داخلی (۸) تکافوی سرمایه‌گذاری و خریدهای دولتی را نمی‌دهد.

دلایل دیگری هم برای مضر بودن یارانه‌ها ذکر شده‌اند، از جمله اینکه یارانه‌های صادراتی منجر به شکل‌گیری «آثار بیرونی» (۹) می‌شود و از اسباب «شکست بازار» (۱۰) است. (۱۱) دلیل دیگر اینکه یارانه‌ها مانع از شکل‌گیری صنایع جدید و البته رقیب و یانابودی صنایع نوپا در کشور واردکننده می‌شوند. (۱۲)

نظر به اهمیت موضوع و اینکه یارانه‌ها قادر به بی‌اثر کردن تمامی تلاش‌ها برای دسترسی به شرایط «رقابت منصفانه» هستند مذاکره‌کنندگان، ماده (۱۶) گات ۴۷ را کلاً به این امر اختصاص داده و اصول اولیه شرایط پرداخت و مدیریت یارانه‌ها را بنا نهادند. این ماده در مذاکرات دوراگوته مبنای یکی از ۱۴ موافقتنامه قرار گرفت و دست‌آوردهای مذاکره در این زمینه مجموعه‌آنت تحت عنوان «موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی» خلاصه شد که یازده قسمت، ۳۲ ماده و هفت ضمیمه دارد.

هدف موافقتنامه

از متن موافقتنامه چنین استنباط نمی‌شود که اعضا قصد محدود کردن فعالیت دولت‌ها را دارند، بلکه مسائل زیر منظور نظر است:

۱. ممنوع یا محدود کردن آن دسته از یارانه‌هایی که به تجارت خارجی دیگر اعضا لطمه می‌زند و رقابت منصفانه را خدشه‌دار می‌کند.

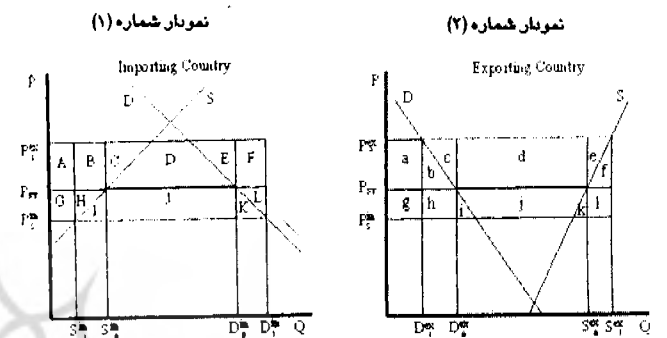
۲. مشخص کردن راه‌ها و اقداماتی که اعضای صدمه دیده از یارانه‌های اعضای دیگر، می‌توانند به کار بندند تا تأثیرات این یارانه‌ها را به کلی حذف و یا به حداقل برسانند.

موافقتنامه به منظور اتخاذ رفتار مناسب در مقابل انتقال نفع از سوی دولت‌ها به بخش‌های مختلف اقتصادی در ماده یک اقدام به تعریف دقیق یارانه و در ماده دو توضیح خاص بودن می‌نماید. زیرا بر اساس موافقتنامه آن دسته از کمک‌هایی که می‌توانند به تجارت دیگر اعضا صدمه وارد سازند، آن‌هایی هستند که برابر ماده ۲ خاص تعریف می‌گردند.

یارانه چیست؟ (تعریف یارانه)

بیانیه وزرا که با آن دوراگوته در «پونتادل استه» آغاز به کار کرد، اهداف مذاکرات یارانه‌ای را به شرح زیر بیان می‌کند:

«مذاکرات در خصوص یارانه‌ها و اقدامات جبرانی بر اساس بازنگری به مواد



جدول زیر خلاصه‌ای از جهت و اندازه تأثیرات رفاهی یارانه بر تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و دولت را در هر دو کشور صادرکننده و واردکننده پس از برقراری یارانه نشان می‌دهد. تأثیر یارانه بر سطح کلی رفاه ملی و رفاه جهانی (با فرض دو کشوره بودن جهان) نیز نشان داده شده است. آثار رفاهی مثبت با علامت (+) و آثار رفاهی منفی با (-) مشخص شده‌اند.

آثار یارانه‌های صادراتی بر رفاه		
	Importing Country	Exporting Country
مازاد مصرف‌کننده	$+(E+F+G)$	$-(a+b)$
مازاد تولیدکننده	$-(E+F)$	$+(a+b+c)$
درآمد دولت	0	$-(b+c+d+f+g+h)$
رفاه ملی	$+G$	$-(b+d+f+g+h)$
رفاه جهانی	$-(F+H)-(b+d)$	

این جدول به خوبی نشان می‌دهد که اگر کشور صادر کننده کشوری بزرگ باشد، تولیدکنندگان کالای منتفع از یارانه در کشور صادر کننده نفع می‌برند، در حالی که مصرف‌کنندگان در این کشور متضرر می‌شوند. ضمناً از آنجا که یارانه برای دولت پرداخت کننده هزینه در بر دارد و آن هم از محل مالیات‌ها تأمین می‌شود، خالص رفاه ملی در این کشور مقداری منفی است.

کشور واردکننده نیز شاهد تغییراتی در توزیع درآمد است. مصرف‌کنندگان در کشور واردکننده به هزینه تولید کنندگانی که کالای مشابه می‌سازند از یارانه بهره‌مند می‌گردند. تأثیر خالص یارانه در کشور وارد کننده مثبت است زیرا جمع نفع مصرف‌کنندگان از ضرر تولیدکنندگان کمتر است. (۴) رفاه جهانی ناشی از پرداخت یارانه نیز منفی است.

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر یارانه صادراتی به نفع کشور وارد کننده است، پس چرا این اقدام برابر قوانین سازمان تجارت جهانی تقبیح شده است. دلایل چندی برای این پدیده مطرح شده، از جمله:

(۶) و (۱۶) و موافقتنامه‌های مذاکره شده چند جانبه برای یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با هدف پیشرفت اصولی از گات که مرتبط به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی تاثیرگذار بر تجارت بین‌المللی هستند، انجام می‌پذیرد. گروهی از مذاکرات با پرداختن به اینگونه مسائل تشکیل خواهد شد.»

در حال حاضر طبق ماده (۱) موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به شرطی پذیرفته می‌شود یارانه وجود دارد که:

«الف. کمک مالی دولت یا هر رکن عمومی (دولتی) در قلمرو یک عضو (که در موافقتنامه حاضر «دولت» خوانده می‌شود) وجود داشته باشد، یعنی در مواردی که:

۱. عمل دولت متضمن انتقال مستقیم و جوه (مثلاً کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه)، انتقالات بالقوه مستقیم و جوه یا تعهدات باشد (مثلاً تضمینات وام)؛ ۲. درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می‌شود، وصول نشود یا از آن چشم‌پوشی گردد (مثلاً مشوق‌های مالی مانند اعتبارات مالیاتی)؛ ۳. دولت کالاها یا خدماتی را به جز در ارتباط با زیر ساخت کلی، تدارک یا کالاهایی را خریداری نماید». تمام این‌ها به شرطی است که: ب. «نفعی منتقل شده باشد».

موافقتنامه توضیح زیادی در خصوص «نفع» نمی‌دهد در حالی که شناخت مفهوم آن بسیار ضروری است. می‌توان به طور کلی استنباط کرد که هر فعالیت حکومت که با ملاحظات و منطق بازار تطابق ندارد متضمن انتقال نفع است. بنابراین اعطای وام با شرایطی سهل‌تر از آنچه بانک‌های تجاری ارائه می‌کنند یا ارائه خدمت و یا کالا با بهایی نازلتر از قیمت بازار و به طور کلی انجام هر فعالیتی از سوی دولت، یا موسسه‌ای دیگر به نمایندگی از دولت، با عوضی کمتر از آنچه بخش خصوصی مایل به انجام آن باشد، همگی یارانه شناخته خواهند شد.

بند سوم مورد (الف) در متن موافقتنامه تأکید بر این دارد که حتی خرید دولت از بخش داخلی با شرایطی بهتر از آنچه که بخش خصوصی حاضر به انجام آن باشد نیز یارانه خواهد بود. نکته‌ای که بند (ب) مطرح می‌کند این است که «نفع» باید حتماً منتقل شده باشد. شرایطی را در نظر بگیرید که دولتی مصوبه‌ای را با نیت حمایت از بخشی / صنعتی خاص اعلام می‌نماید اما شرایط دریافت این تسهیلات به صورتی است که عملاً هیچ‌بنگانه‌ای از آن منتفع نمی‌شود؛ در اینجا «نفعی» منتقل نشده است.

تعریف یارانه از دست‌آوردهای بسیار مهم دورروگوته است که در این موافقتنامه متبلور شده زیرا به‌رغم تلاش‌های فراوانی که پس از گات ۱۹۴۷ به عمل آمد، طرف‌های متعهد هیچگاه به تعریف معینی برای یارانه دست نیافتند. علت را می‌توان در مشخص نبودن مرز فعالیت‌های دولت‌ها در داخل و تاثیر این فعالیت‌ها بر صادرات و تولید در دیگر کشورها دید.

چنانچه یارانه را به «انتقال نفع از دولت به بخش‌های مختلف تولیدی و تجاری» تعریف نماییم، تمام فعالیت‌ها از جمله کارهای زیربنایی مانند تامین امنیت، گسترش راه آهن و جاده‌ها، آموزش و تعلیم همگانی در مجموعه این تعریف می‌گنجد و محدود کردن آن‌ها در واقع ایجاد محدودیت بر حق حاکمیت دولت‌ها است.

بدیهی است مؤسساتی که در کشوری با امکانات زیربنایی قوی فعالیت می‌کنند در شرایط رقابتی بهتری نسبت به رقبای خود در کشورهای دیگر قرار دارند و از «مزیت» بهره‌مندند. مثلاً داشتن نظام امنیتی قوی و پلیس کارآمد میزان جرم و سرقت را کاهش داده که خود میزان شرکت‌های بیمه را کم می‌کند و به این وسیله هزینه‌های مؤسسات تولیدی در چنین کشوری کمتر شده، در وضعیت رقابتی بهتری قرار می‌گیرد.

به این ترتیب معلوم می‌شود که چنین تعریفی مناسب نبوده و هیچ دولتی حاضر به محدود کردن فعالیت‌های خود به این وسعت نیست. زیرا اگر چنین باشد باید کمک به معلولان و نیازمندان، بررسی‌های تحصیلی و تحصیلات رایگان و

حتی اقدامات نظامی و انتظامی خود را محدود کرده، از بسیاری از طرح‌های عمرانی و ملی به دلیل تعارض آن‌ها با منافع دیگر کشورها صرف‌نظر کند. اگر قرار بود چنین تعریفی برای یارانه‌ها انتخاب شود، کشورها هرگز نمی‌توانستند پس از جنگ به حیات خود ادامه دهند و بنابراین محکوم به فنا بودند. اروپای پس از جنگ جهانی دوم تنها با دخالت مالی دولت‌ها توانست صنایع و کشاورزی خود را احیا نماید.

از سوی دیگر کشورها حق دارند نسبت به فعالیت‌های دولت‌های دیگر حساس باشند، زیرا طرح‌های یارانه‌ای دولت‌های طرف تجاری آن‌ها بر صادرات و وارداتشان تاثیر می‌گذارد و سرانجام امکان وارد شدن خسارت بر صنایع و تولیدات و در نتیجه اغتشاش در سطح اشتغال و تورم کشورشان را در پی دارد.

اگر چنین وضعیتی برای کشوری پیش آید و آن کشور نتواند مشکل را با دولت طرف حل نماید یا به اقدام مشابه دست می‌زند و با پراخت یارانه به صنایع



آسیب دیده خود وارد رقابتی پرهزینه می‌شود و یا با وضع عوارض جبرانی سعی در بی‌اثر سازی یارانه‌ها می‌کند. هر دوی این روش‌ها آثار مخرب بر بازار دارند، اولی منابع ملی را از مصرف بهینه منحرف می‌کند و دومی تجارت را کاهش می‌دهد و کشورها را از منافع تجارت آزاد محروم می‌کند. بنابراین چالش فراروی مذاکره کنندگان در گات اولیه و دوره‌های پس از آن، ایجاد تعادل بین این دو نفع متقابل و تعریف مرز مورد قبول طرف‌ها بوده است.

پذیرش شرط «آزمون (ایراد) خسارت»^(۱۳) کمک بسیاری بر تعیین چنین مرزی نمود. برابر این اصل، دولت‌ها تا زمانی می‌توانند به صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی کشور خود کمک کنند که «اثر سوء» یا «آسیب جدی» به منافع طرف‌های تجاری خود وارد نسازند. در اولین جلسه مذاکره (۱۶.۱۷ مارچ ۱۹۸۷)، کشورهای پیشنهادی متنوعی در خصوص موضوعات و رویه مذاکرات ارائه کردند. از جمله موضوعات مورد بحث در این جلسه و در جلسات بعدی این بود که آیا اساساً لازم است یارانه تعریف شود یا خیر و اگر تعریف شود، حدود این تعریف چه باید باشد. در پیشنهاد جامعه اروپایی از تعریف یارانه چنین آمده است: «هزینه‌ای مالی ... پرداخت شده توسط حکومت یا مقام اجرایی به نیابت از ذی‌نفع».^(۱۴) پیشنهاد شامل استثنائاتی از جمله مستثنی شدن یارانه‌های پرداختی به مناطق خاص می‌شد. در همین پیشنهاد اروپا معیار تشخیص مقدار یارانه را هزینه برای مقام پرداخت کننده (دولت) اعلام نمود.

در پیشنهاد دولت مصر برای ترتیبات یارانه‌ای نیز معیار تشخیص میزان یارانه، هزینه برای دولت پرداخت کننده است.^(۱۵) دولت کلمبیا روشی عملی را به جای تعریف یارانه پیشنهاد کرد و آن تهیه لیستی تمثیلی از انواع یارانه‌ها بود.^(۱۶) دولت آمریکا بر اساس مطالعات و نظرات اقتصاددانان خود، از

جمله پاول ساموئلسون - معتقد بود که معیار تشخیص یارانه نباید هزینه برای سازمان پرداخت کننده باشد بلکه باید نفع دریافت کننده باشد، زیرا این انتقال نفع است که رفتار منتفع را تغییر داده و موجب اغتشاش در بازار می شود. (۱۷)

برای مثال در نظر بگیرید دولتی وامی را با سود ۱۰ درصد در اختیار بنگاهی قرار می دهد، در حالی که بانک های تجاری چنین وامی را با ۱۲ درصد سود می دهند. چنانچه هزینه تامین این وام هم برای دولت و هم برای بانک های تجاری از منابع بین المللی، برای مثال ۸ درصد باشد آیا می توان فرض نمود که نفعی منتقل شده است؟

برابر تعریف اروپایی / مصری این وام یارانه نیست چون دولت هزینه ای را متحمل نشده بلکه سود هم کرده است. در حالی که بنا به تعریف آمریکایی ها چنین وامی متضمن انتقال نفع به وام گیرنده است زیرا به جای ۱۲ درصد، ۱۰ درصد سود پرداخت می کند.

سرنجام آمریکایی ها موفق شدند در تعریف یارانه، شرط انتقال نفع را بگنجانند بند موافقتنامه را و آنچه استدلال آن ها را محکم ساخت ارائه ایده «هزینه فرصت» (۱۸) بود. زیرا در مثال فوق آن ها معتقد بودند که دولت هزینه ای به اندازه ۲ درصد را به صورت «هزینه فرصت» وام پرداختی به نرخ ۱۰ درصد را متحمل شده است.

موافقتنامه در مقام برآیند پیشنهادهای مختلف تا حدی نظر هیات های مختلف را تامین کرده است، ولی به هر حال معیار محاسبه به طور کلی مقدار «نفع منتقل شده به ذینفع» است. (۱۹)

از ضعف هایی که در ماده یک در تعریف یارانه و مثال های آن مشاهده می شود، عدم درج مواردی است که فعالیت های دولتی یارانه محسوب نمی شوند. زیرا برای دریافت تمامی جنبه های یک تعریف، اشراف بر حوزه هایی که خارج از محدوده تعریف قرار دارند نیز ضروری است. به این مشکل تا حدی در ماده ۱۴ موافقتنامه پرداخته شده است. مفاد این ماده ناظر بر «نحوه محاسبه مبلغ یارانه بر حسب میزان کمک به دریافت کننده» است. رهنمودهای داده شده برای محاسبه یارانه به حوزه هایی اشاره دارد که خارج از تعریف یارانه برای ماده یک قرار می گیرند و شامل:

«الف» تدارک سرمایه توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه بتوان تصمیم برای سرمایه گذاری را مغایر با رویه معمول سرمایه گذاری (از جمله پیش بینی خطر سرمایه گذاری اولیه) سرمایه گذاران خصوصی در قلمرو آن عضو تلقی کرد.

ب) وام دولتی به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت کننده وام از بابت وام دولتی می پردازد و مبلغی که از بابت وام تجاری قابل مقایسه ای که اگر بنگاه مزبور عملاً از بازار اخذ می کرد باید می پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در چنین صورتی، کمک [اعطایی]، تفاوت میان این دو مبلغ خواهد بود.

ج) تضمین وام توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت کننده تضمین از بابت وام تضمینی دولت می پردازد و مبلغی که بنگاه مزبور باید از بابت وام تجاری قابل مقایسه ای در صورت عدم وجود تضمین دولت می پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در چنین صورتی، کمک [اعطایی]، تفاوت میان دو مبلغ یا احتساب تفاوت در کارمزد های مربوطه خواهد بود.

د) تدارک کالا یا خدمات یا خرید کالا توسط دولت، به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه تدارک مزبور در مقابل عوضی کمتر از میزان کافی صورت گرفته باشد یا خرید مزبور در مقابل عوضی بیشتر از میزان کافی باشد. کفایت عوض، در رابطه با شرایط حاکم بر بازار برای کالا یا خدمت مورد بحث در کشور تدارک کننده یا خریدار تعیین خواهد شد (از جمله قیمت، کیفیت،

در دسترس بودن، قابلیت عرضه در بازار، حمل و نقل و سایر شرایط خرید یا فروش).

لذا برای دریافت حدود تعریف یارانه ها تطبیق مفاد این ماده با ماده یک ضروری است.

خاص بودن یارانه

آنچه در واقع انتقال نفعی را در چارچوب موافقتنامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، واصل «رقابت منصفانه» مورد تهدید قرار می دهد؛ خاص بودن (۲۰) یک یارانه است. منظور از خاص بودن این است که «نفع» مورد نظر دولت صراحتاً در قانون مصوب و همینطور در عمل به گروه بنگاه و صنعتی معین یا منطقه جغرافیایی خاصی محدود شده باشد و یا برابر ماده (۳) موافقتنامه در گروه یارانه های ممنوع قرار بگیرد. ماده (۲) موافقتنامه برای تشخیص «خاص» بودن یک یارانه، شرایط زیر را برمی شمرد:

«الف» در مواردی که مقام اعطا کننده یا قانونی که مقام اعطا کننده به موجب آن عمل می کند، صراحتاً استغاف از یارانه را به بنگاه های معینی محدود سازد، چنین یارانه ای خاص محسوب خواهد شد.

ب) در مواردی که مقام اعطا کننده یا قانونی که مقام اعطا کننده به موجب آن عمل می کند، معیارها یا ضوابط عینی ناظر بر واجد شرایط بودن برای استفاده از یارانه و مبلغ آن را تعیین نماید، خاص بودن یارانه مطرح نخواهد بود، مشروط بر اینکه واجد شرایط بودن (برای استغاف از یارانه) به طور خودکار عمل شود و معیارها یا ضوابط مزبور دقیقاً رعایت شوند. این معیارها یا ضوابط باید به وضوح در قوانین، مقررات، یا دیگر اسناد رسمی درج شوند تا بتوان آن ها را مورد بررسی قرار داد.

ج) چنانچه به رغم نتایج حاصله از اعمال اصول مقرر در شق های (الف) و (ب) مبنی بر خاص نبودن یارانه، دلایلی برای قبول این امر وجود داشته باشد که یارانه مورد نظر در واقع جنبه خاص داشته است، می توان سایر عوامل را مورد ملاحظه قرار داد: این عوامل عبارتند از: استفاده تعداد محدودی از بنگاه های معین از برنامه پرداخت یارانه، استفاده بنگاه های معین از قسمت اعظم یک یارانه، اعطای یارانه زیاد و بدون تناسب به بنگاه های معین و طریقی که مقام اعطا کننده در تصمیم برای اعطای یک یارانه، نظر خود را اعمال کرده است. در اجرای این شق، درجه تنوع فعالیت های اقتصادی در قلمرو مقام اعطا کننده یارانه و همینطور مدتی که برنامه پرداخت یارانه اجرا می شده، مدنظر قرار خواهند گرفت.

برابر این ماده از موافقتنامه، یارانه هایی که به تمام مؤسسات اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی محدود اعطا می شود و یا طبق تعریف ماده (۳) موافقتنامه یارانه های ممنوع هستند نیز همگی خاص شناخته می شوند.

تقسیم بندی یارانه ها

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد «رقابت منصفانه» از اساسی ترین اصول سازمان تجارت جهانی بوده و راه های حصول آن و یا جلوگیری از خدشه دار شدن این اصل، در جای جای موافقتنامه های مختلف سازمان جهانی تجارت آشکار و نهان خود را نشان می دهد.

از جمله عوامل خدشه ساز «رقابت منصفانه»، یارانه ها، به ویژه یارانه هایی هستند که «رقابت منصفانه» را بین بنگاه های ملی و خارجی مختل می سازند. قسمت دوم از موافقتنامه که شامل مواد (۳) و (۴) می شود مشخصاً به یارانه های ممنوع پرداخته و راه های جبران و مقابله با آن ها را در صورت استفاده کشوری از آن ها، بیان می نماید. تا قبل از پایان سال ۱۹۹۹ میلادی و شروع سال ۲۰۰۰، موافقتنامه، یارانه ها را به دو دسته کلی یارانه های ممنوع و یارانه های مجاز تقسیم می کرد؛ یارانه های مجاز مجدداً به دو زیر گروه الف - یارانه های مجاز قابل تقییب

که اصطلاحاً به آن‌ها یارانه‌ای زرد رنگ ملهم از چراغ راهنمایی و ب. یارانه‌های مجاز غیر قابل تعقیب. یارانه‌های سبز رنگ - منفک می‌شد. این تقسیم‌بندی با شروع سال ۲۰۰۰ میلادی، با توجه به ماده (۳۱) موافقتنامه تغییر کرده است.

یارانه‌های ممنوع

موافقتنامه در دو بند کوتاه معیارهای کلی برای تشخیص یارانه‌های ممنوع را بیان می‌کند. به این دو معیار اما و اگرهای بسیار ملحق است که تا حد مقدور سعی در روشن ساختن آن‌ها می‌شود. «ماده ۳ موافقتنامه، یارانه‌های ممنوع را به شکل زیر تعریف می‌کند: الف. یارانه‌هایی که در متن قانون یا عملاً در واقع به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به عملکرد صادراتی هستند؛ ب. یارانه‌هایی که به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر موکول به استفاده بیشتر از کالاها داخلی در مقیاس با کالاها وارداتی هستند».

عبارت «در واقع»^(۲۱) در متن اصلی، به حالتی اشاره دارد که قانون اعطای یارانه، صادرات را شرط پرداخت یارانه ندانسته، در حالی که در عمل پرداخت یارانه فوق به عملکرد صادراتی مشروط است. شایان ذکر است که برابر زیرنویس بند ۳. صرف این که یارانه‌ای به بنگاهی صادرکننده پرداخت شود، برای آنکه یارانه جزء یارانه‌های ممنوع قرار گیرد، به تنهایی، دلیل کافی نیست.

این ذهنیت ممکن است پدید آید که اگر یارانه‌ای به طور افقی به تمامی صادرکنندگان و یا استفاده کنندگان از کالاها داخلی، با وجود کالاها مشابه خارجی، در رابطه با عملکرد صادراتی پرداخت شود، با توجه به خاص نبودن آن، قاعدتاً نباید یارانه‌ای ممنوع باشد. پاسخ این است که بند سوم از ماده دوم (۳.۲) موافقتنامه صراحتاً اینگونه یارانه‌ها را خاص می‌شناسد هر چند که بنا بر تعریف، خاص تلقی نگردند: «هر گونه یارانه‌ای که در چارچوب مقررات ماده ۳ قرار گیرد، خاص تلقی خواهد شد»

برای بر طرف کردن ابهامات و تسهیل تقسیم‌بندی و شناخت یارانه‌ها، موافقتنامه در ضمیمه شماره یک به شرح نسبتاً مفصل یارانه‌هایی که می‌توانند در این گروه قرار گیرند می‌پردازد. ذیلاً مجملی از آن‌ها بیان می‌گردد.

فهرست یارانه‌های صادراتی ممنوع

فهرست توضیحی موافقتنامه از یارانه‌های صادراتی ممنوع به شرح زیر است:

یارانه‌های مستقیم بر اساس عملکرد صادراتی؛ طرح‌های حفظ ارزش متضمن جایزه بر صادرات؛ تدارک نهاده‌های برخوردار از یارانه برای استفاده در تولید کالاها صادراتی؛ معافیت از مالیات‌های مستقیم (مثلاً مالیات بر سود مربوط به صادرات)؛ معافیت یا بخشودگی مالیات‌های غیرمستقیم (مثلاً مالیات بر ارزش افزوده) بر محصولات صادراتی و مازاد بر آنچه که هنگام فروش برای مصرف داخلی بر این محصولات وضع می‌شود؛ بخشودگی یا استرداد هزینه‌های واردات (مثلاً تعرفه‌ها و سایر عوارض) مازاد بر آنچه بر نهاده‌های مصرفی در تولید کالاها صادراتی وضع شده‌اند؛ برنامه‌های تضمین صادرات با نرخ‌های بیمه‌ای که برای پوشش هزینه‌های بلندمدت برنامه کافی نیست؛ و اعتبارات صادراتی با نرخ‌های کمتر از هزینه استقراض دولت و در مواردی که برای تامین مزیتی مهم در شرایط اعتبار صادراتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یارانه‌های قابل تعقیب

موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی از موافقتنامه‌های نسبتاً پیچیده سازمان تجارت جهانی است. احاطه و شناختن جنبه‌های مختلف آن تنها با مطالعه دقیق و دقت در متون مربوط به آن و موارد ارجاعی برای حل و فصل اختلافات بین دول به رکن حل اختلاف سازمان، مقدور است. یکی از عوامل پیچیدگی، نوع خاص طبقه‌بندی یارانه‌ها است. در حالی که یارانه‌های ممنوع از

نوع و طبیعت خود یارانه شناخته می‌شوند، یارانه‌های قابل تعقیب از تاثیرات آن‌ها بر صنایع دیگر کشورهای عضو و همچنین از تاثیر آن‌ها بر بازارهای دیگر اعضا و یا بازارهای مورد توجه دیگر اعضا ر کشورهای ثالث قابل ردیابی هستند. در قسمت سوم ماده (۵) موافقتنامه، یارانه‌های قابل تعقیب به شکل زیر تعریف شده است:

«نفعی از سوی بخش عمومی اعطاء شده باشد؛ این نفع بنا به تعریف خاص باشد؛ و در اثر این نفع به منافع دیگر اعضا اثر سوء^(۲۲) وارد شود.» بدیهی است «اثر سوء» که فوقاً اشاره گردید خود نیاز به تعریف دارد تا دانسته شود با تحقق چه پدیده‌ای «اثر سوء» به دیگر اعضا گذاشته شده است.

آثار سوء

بنا بر بند پنجم موافقتنامه با تحقق دست کم یکی از سه عامل زیر بر منافع دیگر اعضا «اثر سوء» وارد شده است:

«الف. به صنعت داخلی عضو دیگر لطمه^(۲۳) وارد شده باشد.» اصطلاح لطمه یا لطمه جدی^(۲۴) در موارد مختلف در خصوص تاثیرات منفی یارانه‌ها و دامپینگ بر منافع اعضای دیگر موافقتنامه در ماده (۶) گات (۴۷) به کار رفته و راه مقابله را استفاده از عوارض جبرانی دانسته است. در موافقتنامه به این اصطلاح به خوبی پرداخته شده که تعریف نسبتاً جامعی به دست می‌دهد. برابر ماده ۱۵ برای تشخیص لطمه باید روی دو دسته از واقعیات تمرکز نمود:

الف. حجم واردات مشمول یارانه و تاثیر این واردات بر قیمت محصولات مشابه در بازار داخلی؛
ب. اثر واردات برخوردار از یارانه بر تولیدکنندگان داخلی.

برای مقابله با واردات یارانه دار

«۱۵.۵. باید ثابت کرد که واردات مشمول یارانه به واسطه اثرات یارانه سبب ایراد لطمه در مفهوم موافقتنامه حاضر شده است. اثبات رابطه علی میان واردات مشمول یارانه و لطمه به صنعت داخلی، بر بررسی همه مدارکی که نزد مقامات موجود است، مبتنی خواهد بود.»

بنابراین اولین گام برای تشخیص لطمه تغییرات در حجم واردات و قیمت محصولات مشابه در بازار داخلی است. موافقتنامه در بندهای دوم و سوم از ماده پانزدهم (۲.۱۵ و ۳.۱۵) به این تغییر توجه می‌نماید:

بند (۲.۱۵) در خصوص حجم واردات مشمول یارانه، مقامات تحقیق کننده بررسی خواهند کرد که آیا در [حجم] واردات مشمول یارانه افزایش قابل توجهی به صورت مطلق یا در رابطه با تولید یا مصرف در کشور واردکننده عضو به وجود آمده است یا نه. در خصوص اثر واردات مشمول یارانه بر قیمت، مقامات تحقیق کننده بررسی خواهند کرد که آیا قیمت فروش محصولات مشمول یارانه در مقایسه با قیمت محصولات مشابه داخلی کشور وارد کننده عضو به نحو چشمگیری پایینتر بوده است یا نه، و آیا اثر چنین وارداتی به گونه دیگر تنزل قابل توجه قیمت یا جلوگیری از افزایش چشمگیر قیمت‌ها بوده است که در شرایط دیگر می‌توانست به وقوع بپیوندد. هیچ یک از این عوامل یا تعدادی از این عوامل لزوماً رهنمود قطعی را به دست نمی‌دهند.

بند (۳.۱۵) در مواردی که واردات یک محصول از بیش از یک کشور، همزمان موضوع تحقیقات مربوط به حقوق جبرانی قرار گیرد، مقامات تحقیق کننده تها در صورتی می‌توانند اثرات این واردات را یک جا ارزیابی کنند که احراز نمایند (الف) مبلغ یارانه برقرار شده در رابطه با واردات از هر کشور در حد جزئی نیست، و (ب) ارزیابی کلی آثار واردات با توجه به شرایط قابل رقابت میان محصولات وارداتی از یکسو و شرایط رقابت میان محصولات وارداتی و محصولات مشابه داخلی از سوی دیگر منطقی است» گام بعدی برای احراز

لطمه، بررسی اثر واردات مشمول یارانه بر صنعت داخلی کشور وارد کننده است. بند چهارم از ماده پانزدهم (۴۱۵) موافقتنامه به این صورت به موضوع می‌پردازد: «بررسی اثر واردات مشمول یارانه بر صنعت داخلی، ارزیابی همه عوامل و شاخص‌های اقتصادی مربوط را که بر وضعیت صنعت تأثیر داشته‌اند، شامل خواهد شد. عوامل و شاخص‌هایی چون: کاهش بالفعل و بالقوه محصول، فروش، سهم بازار، سود، بهره‌وری، بازگشت سرمایه یا استفاده از ظرفیت؛ عوامل موثر بر قیمت‌های داخلی؛ اثرات منفی بالفعل و بالقوه بر جریان نقدینگی، موجودی، اشتغال، دستمزد، رشد، توانایی افزایش سرمایه یا سرمایه‌گذاری، و در مورد کشاورزی اینکه آیا وظیفه سنگینتری بر عهده برنامه‌های حمایتی دولت بوده است یا نه. این فهرست جامع نیست و هیچ‌یک از این عوامل یا تعدادی از این عوامل لزوماً نمی‌توانند رهنمود قطعی را به دست دهند.»

سرانجام چنانچه رابطه علت و معلولی میان حجم واردات یا تغییر قیمت در بازار داخلی با تأثیر منفی بر صنعت داخلی محرز شد، وجود لطمه احراز شده، کشور وارد کننده می‌تواند برابر شرایط موافقتنامه اقدام به وضع عوارض جبرانی نماید. «ب- زبان یا از بین رفتن منابع به دست آمده در حین انجام مذاکرات اولیه و ردو بدل کردن امتیازات»

کشورها به هنگام ورود به گات یا بعدها سازمان تجارت جهانی سعی در متوازن کردن کلی تعهدات خود در مقابل امتیازاتی دارند که می‌دهند؛ به این صورت برآورد می‌کنند که آیا در مجموع پس از ملحق شدن منتفع شده‌اند یا متضرر. نظام مذاکرات دو جانبه یا چند جانبه سازمان تجارت جهانی عملاً امکان به دست آوردن امتیازات زیاد و از دست دادن منافع کم را ناممکن ساخته است. کشورهای عضو در مقابل امتیازاتی که می‌دهند سعی در گرفتن امتیازات بیشتری می‌کنند و کشور گیرنده آن امتیازات سعی در کم کردن تعهدات خود می‌نماید. این جریان رفت و برگشت و مذاکره منافع و تعهدات متناسبی را - حداقل برای کشورهایی که از حقوق خود و مقررات سازمان مطلع‌اند - برای اعضا تعیین می‌نماید.

حال برابر بند دوم از ماده پنجم موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، چنانچه به منافع کلی کشور عضوی در نتیجه یارانه دادن دیگر کشور عضو به صنایع‌اش، زیان وارد شود و یا کلاً از میان برود، یارانه پرداخت شده در رده یارانه‌های قابل پی‌گرد قرار گرفته و جزء عوامل به وجود آورنده «اثر سوء» بر عضو دیگر محسوب می‌گردد.

بدیهی است یارانه‌ای که توان ایجاد چنین «اثری سوء» بر عضو دیگر را

داشته باشد باید یارانه‌ای با حجم بزرگ باشد و یا اینکه کشور متحمل «اثر سوء» کشوری نسبتاً کوچک با تجارت کم و تنوع صادرات محدود باشد. بر این اساس دور از ذهن نخواهد بود که تصور نماییم طرفین دعاوی یارانه‌ای در سازمان جهانی تجارت که این بند از ماده پنجم موافقتنامه را اساس دعاوی خود قرار داده‌اند کشورهای کوچک از یک سو و کشورهای بزرگ از طرف دیگر باشند.

«ج. به منافع عضو دیگر آسیب جدی (۲۵) وارد آید.»

ماده ۶ مشخصاً به مفهوم آسیب جدی می‌پردازد:

«۱۶. آسیب جدی به معنای بند (ج) ماده (۵)، در موارد زیر وجود خواهد داشت:

الف) کل یارانه پرداختی بر مبنای ارزش محصول از ۵ درصد تجاوز کند؛ ب) یارانه‌هایی که زیان‌های عملیاتی یک صنعت را تحت پوشش قرار دهد؛ ج) یارانه‌هایی که زیان‌های عملیاتی یک بنگاه اقتصادی را تحت پوشش قرار دهد، غیر از اقداماتی که برای یک بار بوده و غیر قابل تکرار هستند و نمی‌توان آن‌ها را در مورد آن بنگاه مجدداً اعمال کرد و صرفاً به منظور ایجاد فرصت برای ارائه راه‌حل‌های بلندمدت و اجتناب از مسائل حاد اجتماعی اعطا می‌شوند؛ و د) بخشش مستقیم بدهی یعنی بخشش مطالبات دولت و اعطای کمک بلاعوض برای بازپرداخت بدهی.

۲۶. به رغم مقررات بند (۱)، اگر عضو پرداخت کننده یارانه ثابت کند که یارانه مورد بحث به هیچ یک از آثار مذکور در بند (۳) منجر نشده است، آسیب وارده جدی تشخیص داده نخواهد شد.

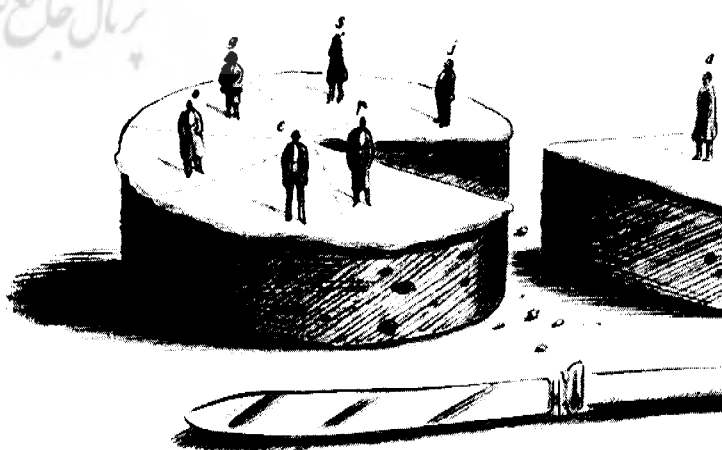
۳۶. آسیب جدی در مفهوم بند (ج) ماده (۵) ممکن است در هر وضعیتی مطرح گردد که یک یا چند شق زیر وجود داشته باشد:

الف) یارانه به جایگزین کردن یا ممانعت از ورود یک محصول مشابه عضو دیگر به بازار عضو پرداخت کننده یارانه منجر شود؛ ب) یارانه ب جایگزین کردن یا ممانعت از صدور یک محصول مشابه عضو دیگر از بازار کشور ثالثی منجر شود؛ ج) یارانه به زیر قیمت فروختن قابل توجه محصول یارانه در مقایسه با قیمت محصول مشابه عضو دیگر در همان بازار یا رکود قابل توجه قیمت تنزل قیمت یا فروش همراه با ضرر در همان بازار منجر شود؛ و د) یارانه به افزایش سهم عضو پرداخت کننده یارانه در بازار جهانی، در مورد محصول یا کالای اولیه خاص مشمول یارانه، در مقایسه با میانگین سهم این دولت طی سه سال قبل از آن منجر شود و این افزایش در مدتی که یارانه اعطا شده است روندی مستمر داشته باشد.

بند هفت ماده شش (۷۶) بیان می‌کند چنانچه علت به وجود آمدن آسیب جدی به کشور شاکی به دلایلی خارج از کنترل عضو مشتکی عنه باشد، موضوع از طریق بند سوم ماده (۶) قابل پیگیری نخواهد بود:

«جایگزینی یا ممانعتی که به آسیب جدی منجر شود، در صورت وجود هر یک از اوضاع و احوال زیر طی دوره مربوط، در چارچوب بند (۳) مطرح نخواهد شد:

الف) وجود ممنوعیت یا محدودیت در مورد صادرات محصول مشابه از [کشور] عضو شاکی به بازار کشور ثالث مورد نظر؛ ب) دولت وارد کننده‌ای که در اعمال انحصار تجارت یا تجارت دولتی در مورد محصول ذی‌ربط، بنا به دلایل غیرتجاری، تصمیم به جابه‌جایی واردات از [کشور] عضو شاکی به کشور یا کشورهای دیگر می‌گیرد؛ ج) بلایای طبیعی، اعتصابات، قطع جریان حمل و نقل یا سایر موارد قوه قاهره (فورس ماژور) که بر تولید، کیفیت، کمیت یا قیمت محصولی که [کشور] عضو شاکی برای صادرات عرضه کرده، تأثیر اساسی می‌گذارد؛ د) وجود ترتیبات محدود کننده برای صادرات از [کشور] عضو شاکی؛ و ه) کاهش داوطلبانه عرضه محصول مورد نظر برای صدور از [کشور] عضو شاکی ضمناً شامل وضعیتی که در آن بنگاه‌های [کشور] عضو شاکی مستقلاً اقدام به تخصیص مجدد صادرات این محصول به بازارهای جدید کرده‌اند.»



یارانه‌های غیر قابل تعقیب

درآمد سرانه یا درآمد خانوار، یا تولید ناخالص داخلی سرانه که نباید بیش از ۸۵ درصد میانگین [آن] برای قلمرو مورد نظر باشد؛ میزان بیکاری، که باید حداقل ۱۱۰ درصد میانگین [آن] برای قلمرو مورد نظر باشد، البته از آنجا که این مقادیر برای یک دوره سه ساله اندازه گیری می‌شوند، مقادیر مزبور می‌تواند به صورت مرکب بوده و سایر عوامل را در برگیرد.



به‌رغم آنچه نام این دسته از یارانه‌ها به ذهن متبادر می‌نماید یارانه‌هایی که در این مجموعه می‌گنجد نیز در واقع برابر ماده (۹) موافقتنامه به شرط احراز اثر سوء بر منافع عضو دیگر، به شکلی قابل پیگیری هستند. برابر مفاد ماده (۹) این موافقتنامه و همچنین ماده (۲۲) از گات چنانچه یکی از اعضا اعتقاد پیدا کند که در اثر اجرای یکی از برنامه‌های مطابق با مقررات یارانه‌های غیر قابل پیگیری به صنعت داخلی اثر سوء و جدی وارد شده می‌تواند در خواست مشورت با عضو پرداخت کننده یارانه نماید؛ چنانچه راه حلی پیدا نشود، موضوع به کمیته یارانه‌ها ارجاع داده خواهد شد و تصمیم نهایی برابر بند چهار ماده نهم (۴.۹) به شرح زیر گرفته خواهد شد:

«کمیته واقعیات موجود و مدارک مربوط به اثرات اشاره شده در بند (۱) فوراً بررسی خواهد کرد اگر کمیته وجود چنین آثاری را احراز کند، می‌تواند به عضو که یارانه می‌پردازد توصیه نماید، برنامه مزبور را به گونه‌ای تعدیل کند که این آثار سوء مرتفع گردند. کمیته ظرف ۱۲۰ روز پس از ارجاع موضوع طبق بند (۳)، نتیجه گیری‌های خود را اعلام خواهد کرد. در صورتی که این توصیه ظرف شش ماه پیگیری نشود، کمیته به عضو متقاضی اجازه خواهد داد که اقدامات متقابل مقتضی را متناسب با میزان و ماهیت آثار سوء احراز شده، اتخاذ کند.»

تشخیص یارانه‌های غیر قابل تعقیب

طبق بند اول از ماده هشتم (۱.۸) یارانه‌های زیر غیر قابل تعقیب تلقی خواهد شد:

الف) یارانه‌هایی که در مفهوم ماده (۲) جنبه خاص ندارند؛ و ب) یارانه‌هایی که در مفهوم ماده ۲ خاص هستند ولی تمام شرایط مقرر در شق‌های (الف)، (ب) یا (ج) از بند (۲) زیر در مورد آن‌ها رعایت شده است.

طبق بند دوم این ماده (۲.۸) به‌رغم مقررات قسمت‌های (۳) و (۵)، یارانه‌های زیر غیر قابل تعقیب خواهند بود:

الف) کمک به فعالیت‌های تحقیقاتی که توسط بنگاه‌ها یا توسط مؤسسات آموزشی یا تحقیقاتی عالی بر اساس قرارداد با بنگاه‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه کمک بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه پیش از رقابت را شامل نشود و مشروط بر اینکه چنین کمکی منحصرأبه موارد زیر محدود گردد:

۱. هزینه‌های پرسنلی (محققان، تکنسین‌ها و سایر کارکنان پشتیبانی که صرفاً در خدمت فعالیت تحقیقاتی هستند)؛ ۲. هزینه وسایل، تجهیزات، زمین و ساختمان‌هایی که به طور انحصاری و دائمی در فعالیت تحقیقاتی به کار برده می‌شوند (مگر هنگامی که بر مبنای تجاری واگذار شوند)؛ ۳. هزینه مشاوره و خدمات مشابهی که به طور انحصاری برای فعالیت تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله تحقیقات، دانش فنی، حق اختراع ثبت شده خریداری شده و غیره؛ ۴. هزینه‌های بالاسری اضافی که مستقیماً در نتیجه فعالیت تحقیقاتی ایجاد می‌شوند؛ و ۵. سایر هزینه‌های جاری (مانند هزینه مواد، تدارکات و مانند آن‌ها) که مستقیماً در نتیجه فعالیت تحقیقاتی ایجاد می‌شوند.

ب) کمک به مناطق محروم واقع در قلمرو عضو که در چارچوب کلی توسعه منطقه‌ای اعطا می‌شوند و در مناطق واجد شرایط، فاقد جنبه خاص (به مفهوم ماده ۲) هستند، مشروط بر اینکه:

۱. هر منطقه محروم به صورت یک ناحیه جغرافیایی متصل و به وضوح مشخص با هویت اقتصادی و اداری قابل تعیین باشد؛ ۲. منطقه مورد نظر بر اساس معیارهای بی طرفانه و عینی‌ای که نشان دهد مشکلات آن چیزی بیش از یک اوضاع و احوال موقتی است، محروم تشخیص داده شود. چنین معیارهایی باید به وضوح در قوانین، مقررات و سایر اسناد رسمی تعیین شده باشند تا امکان بررسی آن‌ها وجود داشته باشد؛ و ۳. این معیارها، میزان توسعه اقتصادی را که حداقل بر یکی از عوامل زیر مبتنی است، شامل می‌گردد:

ج) کمک به افزایش توانایی تطبیق تسهیلات موجود با شرایط زیست محیطی جدید ناشی از قوانین و مقررات که به محدودیت‌ها و بار مالی بیشتر برای بنگاه‌ها منجر شده‌اند، مشروط بر اینکه کمک مزبور:

۱. برای یک بار بوده و جنبه تکراری نداشته باشد؛ ۲. به ۲۰ درصد هزینه تطبیق محدود کرد؛ ۳. هزینه جای‌گزینی و راه‌اندازی سرمایه‌گذاری در قالب کمک را که باید کلاً بر عهده بنگاه‌ها باشد، شامل نگردد؛ ۴. مستقیماً در پیوند و متناسب با کاهش برنامه‌ریزی شده فصولات و آلودگی‌ها بوده و هیچ‌گونه صرفه‌جویی در هزینه تولید را که ممکن است به عمل آید، شامل نگردد؛ و ۵. در دسترس همه بنگاه‌هایی که می‌توانند تجهیزات یا فرآیند تولید جدید را در اختیار گیرند، قرار داشته باشد.

نکته‌ای که لازم است به آن اشاره شود این است که این دسته از یارانه‌ها از تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۱ عملاً وجود ندارند زیرا شرط تمدید آن‌ها برابر ماده (۳۱) موافقتنامه، شروع مذاکرات جدید حداکثر تا اول اکتبر ۲۰۰۰ بوده است و نظر به عدم توافق اعضا مبتنی بر ادامه آن‌ها (۲۶) در این مذاکرات، مورد اشاره در آن‌ها مشمول مقررات یارانه‌های قابل پیگیری خواهد بود.

جامعه اقتصادی اروپا در پیش‌نویسی که به تاریخ ۱۱ جون ۱۹۸۷ ارائه کرد، معتقد است که بعضی از یارانه‌ها که تاثیر اختلال تجاری ندارند در گروه یارانه‌های غیر قابل پیگیری قرار گیرند از جمله موارد زیر:

۱. یارانه‌های محدود به مناطق خاص جغرافیایی؛ ۲. یارانه‌هایی که برای تنظیم ساختار سازمان‌ها هزینه می‌گردند؛ ۳. یارانه‌های بالادستی، عمدتاً یارانه به داده‌های تولید که در جریان تولید دیگر کالاها مصرف می‌شوند (۲۷) «جامعه اقتصادی اروپا معتقد بود که معیار محاسبه مقدار یارانه باید مقدار هزینه شده برای دولت باشد. (۲۸)

موضوع یارانه‌های سبز، از موضوعات بسیار مساله برانگیز در طول مذاکرات دورارو گونه بوده است زیرا هر کدام از مذاکره‌کنندگان با توجه به منافع کشور خود پیشنهادی برای معافیت از پیگیری در خصوص یارانه‌های مورد نظر خود ارائه می‌دادند. به طوری که پیش‌نویس‌های نوشته شده در طول مذاکرات از جمله پیش‌نویس‌های چهارگانه کارتلند - رییس جلسات مذاکرات یارانه‌ای که منجر

به پیش‌نویس دانکل گردید. دچار تغییرات فراوانی گردید.

آمریکا به شدت از محدود کردن یارانه‌های غیرقابل پیگیری دفاع می‌کرد و مایل نبود هیچ تعریفی برای این دسته از یارانه‌ها داده شود. هیات آمریکایی با قراردادن نام بعضی از یارانه‌ها در جرگه یارانه‌های سبز نیز مخالفت می‌کرد، زیرا به نظر آنان «دور از ذهن نخواهد بود که نام یارانه عوض شود و به راحتی از دسته یارانه‌های ممنوع به یارانه‌های سبز منتقل شوند». گذشته از این آمریکایی‌ها اعلام کردند که با یکی از بندهای پیشنهاد دولت سوئیس مبنی بر قابل پیگیری بودن یا حتی ممنوع بودن یارانه‌های سبز به شرط احراز بعضی از شرایط از جمله ایراد لطمه به منافع دیگر اعضا موافق هستند. به رغم این اصرار، یارانه‌های زیر را برای قرار گرفتن در دسته یارانه‌های سبز پیشنهاد می‌نمودند.

۱. خدمات اولیه انسانی و دفاع ملی؛ ۲. بیمه‌های بیکاری و کمک به کارگران بیکار شده برای تطبیق با شرایط کار جدید؛ ۳. حق کشف و استخراج منابع طبیعی به شرط آنکه به مزایده عمومی گذاشته شوند؛ و ۴. هزینه زیر ساخت‌های اولیه به شرط خاص نبودن استفاده. (۲۹)

آنچه که تمامی هیات‌ها از جمله آمریکا برای آن توافق نظر داشتند قرار دادن خدمات اولیه انسانی در لیست یارانه‌های غیرقابل پیگیری بود. این خدمات شامل: آموزش، خدمات بهداشتی، باری رسانی در فجایع طبیعی می‌گردید.

جامعه اقتصادی اروپا نظرهای خاص خود را داشت و خیلی از این نظرها توسط ژاپن و کانادا و کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی تایید می‌شدند. از جمله جامعه اروپایی معتقد بود که کمک به توسعه مناطقی که پیشرفت کمتری نسبت به دیگر مناطق یک کشور دارند جزء یارانه‌های غیرقابل پیگیری قرار گیرند زیرا این کمک‌ها «تنها جبران خسارتی را می‌نماید که یک شرکت به علت قرار گرفتن در منطقه‌ای کمتر توسعه یافته از آن متاثر می‌گردد» (۳۰) آمریکا با قرار دادن اینگونه کمک‌ها در جرگه یارانه‌های غیرقابل پیگیری مخالف بود و این، دودلیل عمده داشت یکی تعریف آمریکایی‌ها از یارانه قابل پیگیری که یارانه به مناطق محروم را نیز شامل می‌شد و دیگری قوانین داخلی آمریکا در خصوص عوارض جبرانی که اینگونه یارانه‌ها را مشمول قانون وضع عوارض جبرانی می‌دانست. (۳۱)

جریان تضارب آرای کشورها در پیش‌نویس‌های کارتلند و پیش‌نویس دانکل برای موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی جمع‌آوری شده است با این

حال آنچه از شدت اختلاف نظرها کم کرد و زمینه را برای دستیابی به توافق هموار ساخت، تغییر ترکیب هیات آمریکایی در سال ۱۹۹۲ در پی تشکیل دولت کلینتون بود. این هیات که اهداف دولت کلینتون در خصوص تقویت بنیه صنعتی و تجاری ایالات متحده از طریق کمک به صنایع در زمینه‌های جدید صنعتی و تجاری از جمله صنعت الکترونیک و کامپیوتر را دنبال می‌نمود، با تعدیل نظرات هیات قبلی آمریکایی قبول نمودند کمک‌های بیشتری از دولت‌ها جزو یارانه‌های غیرقابل پیگیری منظور گردد. (۳۲)

مثال تطبیقی

هر کشوری که متمایل به الحاق به سازمان جهانی تجارت باشد باید گزارشی مبسوط از وضعیت نظام تجارت خود را در سندی به نام «یادداشت رژیم تجاری» به سازمان ارائه نماید تا به اطلاع اعضای گروه کاری برسد. لازمه تنظیم این سند شناخت دقیق مقررات، رویه‌ها و دستورالعمل‌های تجاری کشور است. ذیلاً ماده ۱۹ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۷۲/۷/۴، با هدف مقایسه با مقررات یارانه‌ای سازمان تجارت جهانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تطبیق ماده ۱۹ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۷۲/۷/۴

«دولت می‌تواند همه ساله و جوهی را تحت عنوان تشویق صادرات در بودجه سنواری منظور و به صورت کمک سود تسهیلات پرداختی بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران به صادرکنندگان پرداخت نماید.»

منظور از کمک سود تسهیلات در این ماده، پرداخت قسمتی از سود وام‌هایی است که صادرکنندگان از بانک‌ها دریافت نموده‌اند. چنین جوهی از مصادیق بارز بند ۱.۱.۱ (الف). «موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی» است که شرط یارانه بودن را عملی از سوی دولت می‌داند که: «عمل دولت متضمن انتقال مستقیم وجوه (مثلاً کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه)، انتقالات بالقوه مستقیم وجوه یا تعهدات باشد.» علاوه بر این پرداخت این وجوه تنها برای صادرکنندگان در نظر گرفته شده است و آنان را در موقعیتی بهتر از دیگر تولیدکنندگان قرار می‌دهد که محصولاتشان در داخل به فروش می‌رسد. چنین یارانه‌ای از مصادیق بند ۱.۱.۳ (الف). «یارانه‌هایی که در قانون یاد واقع به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به عملکرد صادراتی هستند...» است. به این ترتیب جوهی که برابر این ماده به صادرکنندگان پرداخت می‌گردد



- 13- Injury Test
 14- Communication From The EEC, GATT Doc. NO. MTN. GNG/N410/W/7 (June 11/1987), page, 3,4.
 15- Communication From Egypt, GATT Doc, No: MTN. GNG/NG/W/14 Nov.39th 1987
 16- Communication From Columbia, GATT Doc, No: MTN. GNG/NG/W/13 Nov.30th 1987
 17- Paul Samuelson, "Economics" (New York: Mc Graw - Hill. 10th ed. 1979) Page 462-470.
 18- Opportunity Cost
 19- Terence P.Stewart: "The GATT, Uruguay Round; A Negotiating History" Volume 1, (Kluwer, 1993) Page 975
 20- Specificity
 21- In fact
 22- Adverse effect
 23- Injury
 24- Material Injury
 25- Serious prejudice
 26- WTO document No:G/L/408
 27- Upstream Subsidies
 28- (Communication From The EEC, GATT Doc. NO. MTN. GNG/NGIO/W/7/at 4)

۲۹- برای مراجعه به نظرات این کشور به سند زیر به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۹ مراجعه

شود.

Elements of The Framework For Negotiations, Submission By The USA, GATT DOC. NO. MTN.GNG/NGIO/W/30- Elements of the Negotiating Framework, Submission By The European Community, GATT DOC.NO.MTN. GNG/NGIO/W/31

* Framework For Negotiations. Communication From Canada. GATT DOC.NO.MTN/GNG/NGIO/W/25 (June 28, 1989)

* Elements Of The Framework For Negotiations, Submission By The Nordic Countries, GATT DOC.NO.MTN/GNG/NGIO/W/30

* Elements OF The Framework For Negotiations Submission By Japan. GATT DOC. NO.MTN/GNG/NGIO/W/27 (Oct. 6, 1984)

31- Terence P.Stewart : "The GATT, Uruguay Round: A Negotiating History " Volume 1 (Kluwer, 1993) (Page 904)

۳۲- برای مطالعه پیش نویس های کارتلند و دانکل به اسناد

1- Draft Final Act Embodying the Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations, GATT DOC.

2 - Draft Final Act Embodying the Results of the Uruguay Round Of Multilateral Trade Negotiations, GATT DOC.

No. MTN.TNC/W35/Rev.1 (Dec.3, 1990)

3 - Note by Chairman, Comprehensive Paper Subsidies and Countervailing Measures, GATT Doc. No.MTN. GNG/NG10/19 W/FA (Dec.18,1991)

4- Draft Text by the Chairman, GATT Doc. No. MTN.GNG/N10/W38

33- WTO Doc.No: WT/DS/94/R dated as 20-6-2001

در دسته یارانه های ممنوع قرار می گیرند.

نکته ای که باید به آن توجه شود جمله بندی ماده (۱۹) است. کلمه «می تواند» در این ماده تعبیر متفاوتی برابر رویه حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت به دست می دهد. در موارد متعددی در دعوی مطرح شده در سازمان جهانی تجارت یا پیش از آن در گات، هیات های حل اختلاف جدا از آنچه در عمل اتفاق می افتد بین دستور اجباری و اختیاری مبنی بر انجام عملی که متضمن یارانه است، تفاوت قائل شده اند. مطابق این رویه چنانچه قوانین داخلی اعضا اجازه رفتار متضمن یارانه را بدهند. چنین قانونی به خودی خود ناقض تعهدات گات ۴۷ این عضو نخواهد بود. این رویه معیار آزمون ناقض بودن تعهدات سازمان تجارت جهانی یا ناقض نبودن در قوانین داخلی کشورها شده است. این موضوع به خوبی در سند WT/DS/ 36/AB/R، در دعوی قانون ضد دامپینگ سال ۱۹۱۶ آمریکا، بیان شده است؛ سندی که مبنای دفاع آمریکا در دعوی این کشور با کانادا در خصوص «اقداماتی که با ممانعت از صدور به صورت یارانه عمل می کند» بود. (۳۳)

در صورت الحاق به سازمان تجارت جهانی، ایران در صورت عمل به مفاد ماده (۱۹) برابر (۲.۳) از موافقتنامه «یک عضو یارانه های مذکور در بند یک» که قبلاً در متن آمد «را اعطا و یا حفظ نخواهد کرد» مورد اعتراض دیگر اعضا قرار خواهد گرفت.

پی نوشت ها:

- 1- Fair Competition
- 2- Partial Equilibrium
- 3- Specific Export subsidy

۴- طرح کلی این بخش برگرفته از کتاب زیر است:

Paul R.Krugman, Maurice Obstfeld, International Economics, Theory and Policy (Addison - Wesley Publishing Company, 2000) Pages 103-119

5- Steven M.Suranovic, "International Trade Theory and Policy Lecture Notes" countervailing Duties in a perfectly competitive market chapter 98.

۶- همان.

- 7- Current account
- 8- Domestic Saving
- 9- Externalities
- 10- Market Failure
- 11- Gary Clyde Hufbauer, Jeffrey J.Schott and Kimberly Ann Elliott, "Economics Sanctions Reconsidered" (Institute for International Economics, 1990)
- Trade: an alternative approach (London, MacMillan Press
- 12- Branko Horvat, The Theory of International Ltd, 1999)